

بدهی سپهدار اعظم (تنکابنی) به دولت

بهمن بیانی

محمودلی خان، سپهدار اعظم پسر حبیب‌الله، سردار تنکابنی گاهی به عنوان طرفدار مشروطه و فاتح تهران و زمانی علیه مشروطه خواهان نمایان می‌گردد. گاه به متحصنین مسجد جامع حمله می‌برد و گاه به کارهای فرزندش در شمال ایران که چوب زدن و تراشیدن ریش شیخ است، مهر تأیید می‌زند و پشتیبانی می‌کند؛ ولی در بعضی مواقع وارد کارهای سودآور مانند اجاره ضرابخانه می‌گردد و با عیار سکه موضوعاتی را باعث می‌شود. به قول ادوارد براون، سپهدار اعظم که چندی پیش به سرکردگی سپاهیان شاه در جبهه تبریز بوده، اکنون به میلیون پیوسته و سالاری آنها را برعهده گرفته و در تصرف تهران با مجاهدین گیلان همراه شده و در تاریخ نام خود را جزو فاتحین تهران به ثبت رسانده و محمدعلی شاه قاجار را از تخت سلطنت به زیر آورده و بعد از خلع آن پادشاه، شخص اول ایران شده و با آنکه ظاهراً ریاست میلیون را داشته و اظهار آزادی خواهی کرده، با رفتار خود باعث دودستگی در بین آنها شده است.

او مدتی وزیر جنگ و بعد نخست‌وزیر ایران شد اما پس از مدتی کوتاه به مستوفی الممالک جای او صدراعظم گردید. [او بعداً در دوره دوم مجلس شورای ملی، به عنوان نماینده] و برای بار دوم به ریاست وزرائی انتخاب گردید و پس از آن والی آذربایجان شد. اما به علت دخالت روس‌ها در آن ناحیه، استعفا داد و به تهران آمد. با اختلافاتی که با سهام‌الدوله رضائی داشت او را چوب زد و عارف‌قزوینی را به علت سرودن شعری به چوب بست. همچنین املاک خالصه استرآباد را به تصرف خود درآورد و املاک خود را به دولت روسیه اجاره داد و پرچم آن دولت را بر سر املاک خود نصب نمود. در پایان به علت واگذاری بانک استقراضی به دولت ایران و فشار آوردن دولت برای گرفتن مالیات عقب افتاده در مضیقه مالی قرار گرفت و خودکشی کرد؛ او در هشتم محرم ۱۳۴۵ق به دیار باقی شتافت و در مقبره خانوادگی در امامزاده صالح دفن شد.

اسناد ارائه شده مربوط به همین بدهی و ادعای بانک درباره بدهی ایشان است که جهت استفاده علاقه‌مندان تقدیم گردید.

در پایان از لطف جناب شاهزاده‌شاهرخ فیروز که مقداری از اسناد مرحوم شاهزاده نصرت‌الدوله را به مجموعه اینجناب مرحمت فرمودند، سپاسگزاری می‌نمایم.

نشان شیر و خورشید

وزارت عدلیه

[متن سند]

راجع بطلب بانک ایران و وزارت جلیله مالیه از متروکات مرحوم خلعت‌بری (محمودلیخان سپهسالار اعظم) پس از دو ماه مذاکره و مشاجره اولاً موفقیت حاصل کرد که اختلاف داخلی ورثه تقریباً خاتمه یافت. (فقط یک نفر هنوز نوشته ختم امر نداده ولی امیدواری دارم که دو سه روزه حل و تصفیه گردد.)

ثانیاً طلب دولت مطابق تشخیص دکتر میلسپو بمبلغ یک میلیون و پنجاه هزار تومان خاتمه یافته بود (ششصد و پنجاه هزار تومان بابت بانک و چهارصد هزار تومان بابت مالیات) بعلاوه پانصد هزار تومان هم در هنگام ارتحال (انتحار) سپهسالار برای مصارف لازم کفن و دفن تسلیم امیر اسعد پسر او و شصت هزار تومان هم برای مصارف راه‌سازی پرداخته شده بود که جمعاً طلب دولت یک میلیون و هفتاد و دو هزار تومان مسلم بود. از این مبلغ فقط وصولی بخزانة از بابت عایدات املاک زیادتر از یکصد هزار تومان نبود که بالاخره طلب دولت نهصد و هفتاد و دو هزار تومان باقی مانده که از این مبلغ بناچار چهلصد هزار تومان باقسط ده‌گانه سالی چهل هزار تومان از تنکابن و سیارستاق و کلارستاق مطابق نوشته شرعیه دریافت خواهد شد و حق بکارگزاران دولت علیه میشود که هر قسطی یک ماه تأخیر حاصل کرد مجدداً تنکابن را ضبط کرده طلب خود را از محل وصول نماید و در مقابل پانصد و هفتاد و دو هزار تومان تنمه دو قسم املاک پذیرفته میشود. قسمی به بیع قطعی و ضمانت درک ورثه با تمام شرایط لازمه که ضعیف لازمه امروز عصر در منزل آقای میرزا سید محمد بهبهانی خوانده و قبالات گرفته میشود و آن عبارت از رقبات ذیل است که مبلغ

کلیه املاک شهریار	باغ فردوس با تمام توابع	عمارت ولی‌آباد..... را که بحکم عدلیه	خانه‌های تیغستان شمیران ده دست
به استثنای خانه نمره ۹	مرحوم خلعت‌بری	۵۰ هزار تومان	تشخیص شده و عمارت مدرسه
۱۰۰ هزار تومان		۱۰۶ هزار تومان	۲۷ هزار تومان

اراضی تیغستان	پارک شهری مرحوم سپهسالار	خانه لاله‌زار
سی هزار تومان	به استثنای اندرون ۴۴ هزار تومان	۲۵ هزار تومان

آن سیصد و هشتاد و دو هزار تومان میباشد و برای توضیح امر زاید نمیدانم عرض کنم این املاک بقیمت

عادله بلکه ارزاتر از ماخذ گرفته شده اولاً املاک شهریار را وزارت مالیه مسایلی تقویم کند و در کمیسیونى برای رفع اختلاف مابین تقویم وزارت مالیه و نماینده خلعت بری نموده‌اند در یکصد و پنجاه هزار تومان قیمت را خاتمه داده‌اند ولی بنده در یکصد هزار تومان قبول کرده‌ام.

باغ فردوس گذشته از تقویم که اختلافات عجیبی داشته مطابق تقویمی که خود بنده فرستاده‌ام و قیمت کرده نود و سه هزار تومان قیمت فعلی را با وجود خرابیهائی که در این دو سال وارد آمده معین کرده‌اند و بنده پنجاه هزار تومان قبول نموده‌ام. عمارات ولی آباد فعلاً در یکصد و بیست هزار تومان مابین آقای سعدالدوله و وکیل مفخّم‌الدوله منازعه و کشمکش است و هر دو طالبند ولی بنده یکصد و شصت هزار تومان تقویم سابق وزارت مالیه را مأخذ قرار داده پذیرفته‌ام و هرگاه بطلبکاران جزء داده شود ممکن است مبلغ کلی اضافه شود. خانه‌های تیغستان را سه هزار تومان مأخذ قرار داده‌ام در صورتیکه پنجاه هزار تومان مشتری دارد. اراضی تیغستان را به مقوم بنده سی و سه هزار تومان و کسری قیمت کرده و مدعی است اگر تجزیه شود چهل هزار تومان فروش دارد، بنده سی هزار تومان قبول کرده‌ام و همچنین خانه لاله‌زار را که فعلاً مالیه ماهی یکصد و هفتاد و پنج تومان کرایه کرده و تجارتخانه‌های خارجه زیاده‌تر بلکه شاید سیصد تومان ماهیانه اجاره نمایند از سی هزار تومان قطعاً کمتر قیمت ندارد، خانه سپهسالار را که بعقیده بنده برای ادارات دولتی و تأسیسات جدید نهایت ضرورت را خواهد داشت سابقاً پنجاه هزار تومان تقویم نموده بودند ولی در این قرارداد چهل و چهار هزار تومان پذیرفته شده بنابراین بعقیده خود خدمت کرده‌ام و با اینکه از ابتدای این امر قرار بمساهله و مسامحه بوده بنده مسامحه و گذشتی نکرده بلکه املاک مرغوب و بقیمت مناسب برداشته‌ام.

اما قسمت دیگر که معامله قطعی نیست.

دویست هزار تومان اقلام ذیل است که نظر باینکه کلیه قنات شمیران مرحوم خلعت بری در صورت تقویم مابین ورثه دویست هزار تومان بقیمت رسیده بود و مطابق تحقیقاتی که شد باین اندازه آب نداشتند و تعیین مقدار آب در اینموقع که آبها طغیان دارد ممکن نبود، قنات را یکصد هزار تومان مقرر داشتیم و در مقابل یکصد هزار تومان تنمه اقلام ذیل را وثیقه میگیریم باین شرط که در اول سنه سال ۱۳۰۷ (شهریورماه) که موقع سنگ کردن آب است آبها را دو نفر مصدق از طرف بانک و ورثه معین شده تقویم نمایند هرگاه قیمت کمتر از یکصد هزار تومان شد تنمه را حضرات ورثه از محل‌های دیگر بپردازند و هرگاه زیاده‌تر شد از این املاک که وثیقه میدهند هر یک را بخواهند استرداد خواهند کرد و در صورتیکه مابین دو نفر مصدق اتفاق رأیی حاصل نشد تشخیص بنده را قاطع امر قرار داده‌اند.

کلیه قنات باغ فردوس از قنات بزرگ و محمدیه	چال هرز از عمارت و اراضی	اراضی قلمستان
و دو قنات چال هرز و قنات آب‌نمای قلمستان	و تمام متعلقات آن	۳۰ هزار تومان
و عسکر و فیروزه و گلاب و حسن آباد و حق آب رودخانه	۳۰ هزار تومان	۱۱۰ هزار تومان

اراضی مقابل سفارت انگلیس
۱۰ هزار تومان

باغ زرگنده مسکونی مرحوم سپهسالار
با تمام ملحقات ۳۰ هزار تومان

باز برای مزید توضیح عرض میکنم تمام این اقلام چهارگانه بقمیت مناسب تقویم شده و امیدواری حاصل است قنوات را هم بقمیت صحیح که مشتری داشته باشد قبول نمایم و نیز لازم است تذکر دهم که عایدی املاک مرحوم سپهسالار قطعاً مبلغها زاید بر سیصد هزار تومان بوده نهایت وصولی بخزانه در این مأخذ است و همان احتساب شده ولی ورثه مدعی هستند که مبلغها زیادتیر بوده و مبلغها نیز هنوز در محل باقی است که بخزانه عایده نشده، برای رفع این اختلاف نیز قراردادی ما بین منعقد می‌شود که هرچه مسلم شد اضافه بر یکصد هزار تومان وصولی مالیه بود ورثه مسترد شود و در مقابل مبلغ بیست و شش هزار تومان وجهی که بانک پهلوی پرداخته احتساب گردد.

البته بانک ایران بموجب قراردادهایی که از خلعت‌بری در دست دارد میتواند معادل تمام طلب خود از املاک آن مرحوم بردارد و اگر اینکار با موافقت ورثه انجام نگیرد بمحاکم متوسل شود و مقصود را حاصل کند. ولی تقاضای ورثه تا بحال این بوده که قسمتی از دین خود را با قسطا بپردازند و بانک ایران بملاحظه اینکه در مقابل دین طلب قروضی دارد که باید تأدیه نماید از قبول اقساط احتراز داشته اینک که آقای میرزارضخان نانینی با نظریه ورثه موافقت فرموده‌اند که معادل چهارصد و پنجاه هزار تومان ملک و چهارصد هزار تومان اقساط از عایدات تنکابن دریافت شود دلائلی که ذیلاً معروض میشود مقتضی است از طرف وزارت جلیله مالیه نیز تصویب و تأیید فرمایند.

۱- قسمت عمده املاکی که بموجب قرارداد ممکن بوده است ببانک منتقل شود از خالصجات انتقالی است که مالیاتش گزاف و قبول آنها برای بانک و طلبکاران صرف و نفعی ندارد.

۲- مرحوم خلعت‌بری در املاک خود انتقالاتی کرده و نوشته‌هائی در دست ورثه دیده میشود که شاید وصول مطالبات بانک را از راه محاکمه دچار اشکالاتی کند و فائق آمدن بر آنها بی‌زحمت نباشد.

۳- چهارصد هزار تومان از دین مرحوم خلعت‌بری بابت بقایای مالیاتی است که مطابق قواعد عمومی میتوانند از قرار سالی یک برابر مالیات بپردازند و هر چند در قرارداد ذکر از این بابت نیست و میتوان گفت این حق از آنها سلب شده ولی حقاً و انصافاً همیشه حق تقاضای این مساعدت برای آنها محفوظ است.

از طرف دیگر مسلم است که تقسیم میراث مرحوم خلعت‌بری با تصفیه محاسبات بانک و مالیه ارتباط تام دارد بقسمی که اگر وزارت مالیه از اتخاذ رویه مدارا خودداری نماید امور ورثه‌گی نیز دچار اختلال شده و ورثه در تقسیم و تسهیم بین خود بمشکلاتی مصادف میشوند و علیهذا باید بعنوان امتنان از مساعدتهای وزارت مالیه آنها هم برای ختم دو فقره حسابیکه ذیلاً معروض میشود صمیمانه اقدام کنند این دو فقره حساب اگر چه ظاهراً خارج از معاملات مالیه با ورثه خلعت‌بری است ولی بر حضرت اقدس والا پوشیده نیست که تا چه اندازه مربوط بمالیه و نتیجه آن مآلاً متوجه خزانه دولت است:

۱- حساب بانک پهلوی است که برنجی از آقای فاطمی نماینده ورثه خریداری کرده و چون بدریافت

آن موفق نشده قیمت آنرا باضافه منافع و خساراتی از مالیه مطالبه دارد و برحسب امر مقامات عالیه مبلغی از آن نیز پرداخته شده است.

۲- حساب طومانیانس است که مبالغی بدولت مدیون و مبلغی از مرحوم خلعت‌بری مطالبه دارد و چون نظر بوضعیت فعلی تجارتخانه طبعاً بدهی ورثه محلی قسمتی از مطالبات دولت خواهد بود، وزارت مالیه در زمان حیات خود خلعت‌بری نیز باین موضوع توجه نموده و از نقطه نظر وصول طلب دولت سعی کرده است طلب تجارتخانه را از انمرحوم دریافت کند. البته مطابق قواعد جاریه باید این دعوی در محاکم عدلیه مطرح شود ولی چون وزارت مالیه قصد ندارد تمام مبلغ مدعا به تجارتخانه را بخرج بیاورد و عدلیه نیز این قبیل دعاوی را به حکمیت مراجعه خواهد داد، باید خود ورثه پیشنهاد وزارت مالیه را حسن استقبال کنند و رضایت دهند که ختم محاسبه آنها با تجارتخانه طومانیانس بوسیله هیئتی از مردمان صالح طرف اعتماد بعمل آید.

اگر وزارت جلیله مالیه از موقع استفاده فرموده و قرار تصفیه این دو حساب را هم با ورثه بدهند، بنده با پیشنهاد آقای میرزارضاخان نائینی کاملاً موافق و اطمینان دارم تقویمی که از املاک فرموده‌اید از هر حیث بصره و بمنافع بانک نزدیک است.

در موضوع باغ فردوس هم چون وثائقی دریافت کرده‌اند که اگر مستحق‌الغیر برآید دولت دچار زحمت نشود ایرادی نیست ولی حدود و وسیله نظارت مالیه را در امور تنکابن تصریح نفرموده‌اید و بعقیده بنده باید تا وصول تمام اقساط دولت در جمع‌آوری محصول آنجا نظارتی داشته باشد. ممکن است پس از امضاء قرارداد خود وزارت مالیه تصمیمی برای وصول اقساط اتخاذ کند که متضمن نفع ورثه و دولت بوده باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شهر مورخه ۱۳۴۰

ضمیمه



وزارت عدلیه

دایع العیب کچن ایران و وزارت عدلیه از کلمات مهم است بی (محمد بن علی کورنی)

میرزا و ...

صداک ...

تایید ...

در کتب ...

برای ...

در این ...

طلب ...

بق ...

عبارت ...

کلمه ...

قسمت ...

بروز ...

آن کلمه ...

عده ...

پیام بهارستان / ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳ / زمستان ۱۳۸۸



وزارت عدلیہ

ادارہ.....
دائرة.....
نمبر.....

۱۳۴۰ شهر ۱۳۴۰

ضمیمہ.....

صفحہ ۳

سنة ۱۳۰۷ (۱۹۲۷ء) در مح کنگه کون آب است آبا را هم فرستاده در آن
کتابت و در همین که تویم نمانده برگاه قرصه کتر از کعبه زارگان شده که آهنگر در دره
قدکهای دیگر بردارند و برگاه را نیا در شد از این املاک که وثیقه سرزمین بر یک را بخوابند
استر داد خواننده که در دره کنگه جان و فرستاده آن را از این فرستاده کنگه کون آب

قطع اول اوله که

کعبه قرصه کتر از کعبه کون آب
در وقت سر بردارند که در وقت
املاک در مح کنگه کون آب
مهرزاده کون آب
در وقت سر بردارند که در وقت
املاک در مح کنگه کون آب
مهرزاده کون آب

در این زمین زمین کون آب است آبا را هم فرستاده در آن
کتابت و در همین که تویم نمانده برگاه قرصه کتر از کعبه زارگان شده که آهنگر در دره
قدکهای دیگر بردارند و برگاه را نیا در شد از این املاک که وثیقه سرزمین بر یک را بخوابند
استر داد خواننده که در دره کنگه جان و فرستاده آن را از این فرستاده کنگه کون آب

پیام بهارستان / ۲۰، س. ۲، ش. ۶ / زمستان ۱۳۸۸

۱۳۰۷
۱۶



وزارت ماليت

۱- قسمت ملڪ دهڪه بموجب قرارهڪن ٿو. ٻه ٽي ٽڪرن ذريعي اڪويت ٿي ته ٽي ٽڪرن تي
 وٺيل آڻهه بموجب ۽ ٽي ٽڪرن جي وٺيل ران صرف وٺيو وڃي ٿو.

۲- رحيم نعت تيز دراهه ٽي آڻهه ٽي ٽڪرن ذريعي وٺيل آڻهه ٽي ٽڪرن تي وٺيل ران صرف وٺيو وڃي ٿو.
 مگر دهڪه ٽي ٽڪرن ذريعي وٺيل آڻهه ٽي ٽڪرن تي وٺيل ران صرف وٺيو وڃي ٿو.

۳- حيدرآباد ٽي ٽڪرن ذريعي وٺيل آڻهه ٽي ٽڪرن تي وٺيل ران صرف وٺيو وڃي ٿو.
 مگر دهڪه ٽي ٽڪرن ذريعي وٺيل آڻهه ٽي ٽڪرن تي وٺيل ران صرف وٺيو وڃي ٿو.

۴- حيدرآباد ٽي ٽڪرن ذريعي وٺيل آڻهه ٽي ٽڪرن تي وٺيل ران صرف وٺيو وڃي ٿو.
 مگر دهڪه ٽي ٽڪرن ذريعي وٺيل آڻهه ٽي ٽڪرن تي وٺيل ران صرف وٺيو وڃي ٿو.

۵- حيدرآباد ٽي ٽڪرن ذريعي وٺيل آڻهه ٽي ٽڪرن تي وٺيل ران صرف وٺيو وڃي ٿو.
 مگر دهڪه ٽي ٽڪرن ذريعي وٺيل آڻهه ٽي ٽڪرن تي وٺيل ران صرف وٺيو وڃي ٿو.

۶- حيدرآباد ٽي ٽڪرن ذريعي وٺيل آڻهه ٽي ٽڪرن تي وٺيل ران صرف وٺيو وڃي ٿو.
 مگر دهڪه ٽي ٽڪرن ذريعي وٺيل آڻهه ٽي ٽڪرن تي وٺيل ران صرف وٺيو وڃي ٿو.

۷- حيدرآباد ٽي ٽڪرن ذريعي وٺيل آڻهه ٽي ٽڪرن تي وٺيل ران صرف وٺيو وڃي ٿو.
 مگر دهڪه ٽي ٽڪرن ذريعي وٺيل آڻهه ٽي ٽڪرن تي وٺيل ران صرف وٺيو وڃي ٿو.

۸- حيدرآباد ٽي ٽڪرن ذريعي وٺيل آڻهه ٽي ٽڪرن تي وٺيل ران صرف وٺيو وڃي ٿو.
 مگر دهڪه ٽي ٽڪرن ذريعي وٺيل آڻهه ٽي ٽڪرن تي وٺيل ران صرف وٺيو وڃي ٿو.

۹- حيدرآباد ٽي ٽڪرن ذريعي وٺيل آڻهه ٽي ٽڪرن تي وٺيل ران صرف وٺيو وڃي ٿو.
 مگر دهڪه ٽي ٽڪرن ذريعي وٺيل آڻهه ٽي ٽڪرن تي وٺيل ران صرف وٺيو وڃي ٿو.

۱۰- حيدرآباد ٽي ٽڪرن ذريعي وٺيل آڻهه ٽي ٽڪرن تي وٺيل ران صرف وٺيو وڃي ٿو.
 مگر دهڪه ٽي ٽڪرن ذريعي وٺيل آڻهه ٽي ٽڪرن تي وٺيل ران صرف وٺيو وڃي ٿو.

پيام بهارستان / ٽي. ١٥، س. ٢٠، ش. ٦ / زمستان ١٣٨٨

اداره _____
دایره _____
تاریخ ۱۳ _____
نمبر _____
شعبه _____
موضوع _____



وزارت مالیه

قیمت گزرا چنانچه نافع و غیره در داخله بلاد و حرجب امرت، است علیه بعضی از آن نیز بر چهره سر است
۲- حساب ملی، چنانچه است که با بعضی دولت بدین وسیله در مجموع قسمت میسر لطلب دلدرد و چون نظریه محسوسه فی کمال
طبعاً بهی دونه محمد قسرت زلزله است هر است عوالم خود دولت علیه در زمانه حیات خود قسمت میسر نیز این مبلغ
توجه منعم و از نقطه نظر وصول طلب هر است سر کجه است طلب تبارت غانه را از آن جهت حایف کند که هر طلب آن خود
عاریه با این دعو در مقام عدلیه مطرح شود و در چون دولت علیه قصد دارد تمام مبلغ دعا به تبارت غانه را بخرج بیاورد
و عدلیه نیز بدین قیود دعا را به بنیست برهم چشم ملک با خود در نهان دولت علیه را حسن استقبال کنند و در حیات
ختم ماسه آینه با تبارت غانه طریقی است بر سر نیز در درین مصالح طرف آینه بهم کرد
اگر دولت علیه قصد میم از شرح آینه فوهم و از آن رخصه این حرجب را هم باورنه به چند منبه، چنانچه با سر سید رضای
نورالله در شرح و چنانچه در این تقریر در دهک فوهم این در هر قسمت بعد از و نافع کجه نزدیک است
در توضیح این فوهم هم چون واقع در واقع کجه که اگر کسی فوهم برادر هر است دعا بر وقت خود برادر است و در
مصدق و کجه در است، علیه را در آمدن کجه بنی تصریح فوهم لایه و بقصد بنی با بر و وصول نام کجه طهرت و بیع در
موصول است که نظریه و بسته بر ممکن است بر از بعضی و از آن کجه در وزارت علیه تقریر برای وصول کجه آن کجه در
تضمن نفع در هر است کجه کجه

بیتال جامع علوم اسلامی

پیام بهارستان / ۲۰، س. ۲، ش. ۶ / زمستان ۱۳۸۸